

روش‌های تشویق و تنبیه کودکان و نوجوانان در سریال‌های خانوادگی تلویزیون

فریبا مرادی عباس‌آبادی*

تاریخ دریافت: ۸۶/۳/۱۷ تاریخ اصلاح: ۸۶/۹/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۲/۱

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است که هدف آن بررسی شیوه‌های تربیتی نمایش داده شده در تلویزیون و میزان اثرگذاری این روش‌ها بر مخاطبان بوده است. برای بررسی موضوع از میان سریال‌های خانوادگی ایرانی و خارجی به نمایش درآمده در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۳، ابتدا چند نمونه انتخاب شد و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا، میزان و چگونگی نمایش انواع روش‌های تقویتی و تنبیهی به کار گرفته شده در مورد کودکان و نوجوانان در هر یک از آنها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد:

- ارایه رفتارهای مطلوب و نامطلوب در سریال‌های ایرانی تقریباً به یک اندازه بوده است.

- در سریال‌های ایرانی، روش‌های کاهش رفتار نامطلوب (روش‌های تنبیهی) بیشتر از روش‌های تشویقی به نمایش درآمده و در سریال‌های خارجی، روش‌های افزایش رفتار مطلوب (روش‌های تشویقی) بیشترین استفاده را داشته است.

- به کارگیری روش‌های تشویقی و تنبیهی در سریال‌های خانوادگی ایرانی نسبت به سریال‌های خارجی با دقت علمی (روانشناسی) کمتری همراه بوده است.

واژه‌های کلیدی: والدین، روش‌های تقویتی، روش‌های تنبیهی، کودکان و نوجوانان، رفتارهای مطلوب و نامطلوب، سریال‌های خانوادگی.

* کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، مربی دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی واحد ورامین.

مقدمه

دنیای امروز از فناوری‌های فرهنگی متعددی تأثیر پذیرفته که وسایل ارتباط جمعی از مهم‌ترین آنهاست. بدون بررسی اثرات رسانه‌ها نمی‌توان تغییرات رفتاری مطلوب را ساماندهی کرد. تلویزیون بعد تازه‌ای به خانواده بخشیده و آن را تبدیل به سازمانی کرده است که در آن می‌توان جهان را به تماشا نشست و خواست‌های فرهنگی خویش را ارضا کرد.

البته میزان تماشا، زمان تماشا، نوع برنامه‌های انتخابی، دلیل انتخاب و مانند آن در میان مخاطبان یکسان نیست. اما آنچه به طور یکسان مشاهده می‌شود، فراگیری روزافزون تلویزیون در سراسر جهان است. در کنار روند افزایش استفاده از تلویزیون، حساسیت نسبت به تأثیرات آن نیز رشد فراگیری داشته است. تحقیقات متعدد در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناسی، ارتباطات و علوم تربیتی گواه این مدعاست اما بیش از هر چیز این مطالعات روان‌شناسی بود که توانست در حوزه شناخت تأثیرات تلویزیون انقلابی به وجود آورد. بندورا در سال ۱۹۷۳ با پژوهش‌هایی در زمینه پرخاشگری، بر اهمیت یادگیری هنگام مشاهده دیگران تأکید کرد و نظریه یادگیری مشاهده‌ای را مطرح ساخت. وی با توجه به نتایج مطالعات خود به انتقاد صریح از جامعه‌ای پرداخت که کودکان الگوهای نادرست و خشنی از برنامه‌های تلویزیون دریافت می‌کنند. زمانی که بینندگان به رفتار فرد دیگری توجه می‌کنند، ممکن است دست به الگوگیری بزنند اما نکته مهم اینجاست که الگو چه زنده باشد و چه به صورت برنامه‌های مختلف تلویزیونی (فیلم، کارتون و غیره)، شدت تقلید از آن به یک اندازه است (شولتز، ۱۳۷۷).

به این ترتیب هر نوع رفتاری که از تلویزیون پخش می‌شود، ممکن است از سوی مخاطبان سرمشق واقع شود. در مقاله حاضر، مجموعه‌های خانوادگی تلویزیونی (داخلی و خارجی) از نظر رفتارهایی که والدین برای تشویق و تنبیه فرزندان خود به کار می‌گیرند، بررسی شده‌اند تا روش‌های تربیتی به نمایش درآمده که در معرض الگوگیری بینندگان قرار می‌گیرند تشخیص داده شوند.

این پژوهش به لحاظ خاستگاه فکری به رویکرد رفتارگرایی اسکینر معطوف است. اصل تقویت که اسکینر (۱۹۶۹) صاحب نظریه «شرطی شدن کنشگر» طرح و تبیین

تقویت و تنبیه به عنوان روش‌های مهم تغییر رفتار و یادگیری اهمیت به سزایی در تربیت کودکان دارند. مقاله پیش رو، در صدد شناسایی و توصیف این روش‌ها و یافتن پاسخی برای این پرسش است که انواع روش‌های تقویتی و تنبیهی اعمال شده بر روی کودکان و نوجوانان، به چه میزان و چگونه در سریال‌های خانوادگی تلویزیونی نمایش داده می‌شوند.

تلویزیون علاوه بر اینکه آشکارا اطلاعاتی را در اختیار بینندگان قرار می‌دهد، پیام‌هایی را نیز به طور تلویحی منتقل می‌کند. برنامه‌سازان قادر نیستند با این ویژگی‌ها (ارایه الگو) مقابله کنند اما می‌توانند با دریافت اطلاعاتی درباره چگونگی الگودهی و شناخت پیام‌های انتقالی، هنگام ارایه مدل‌ها با ظرافت بیشتری عمل کنند. درست از همین نقطه است که پژوهش‌هایی از این دست، اهمیت می‌یابند. از سوی دیگر می‌توان از ویژگی الگودهی تلویزیون استفاده کرد و تأثیرات مثبت را بنا نهاد. برای رسیدن به این مقصود شناسایی و توصیف الگوهای ارایه شده ضروری است.

بی. اف. اسکینر، رفتارگرایی که بسیاری او را با نفوذترین روان‌شناس معاصر می‌دانند، ضمن ارائه نظریه شرطی‌سازی کنشگر، اصول تربیتی را که والدین بدون اطلاع از زمینه علمی آنها به کار می‌برند، صورت‌بندی کرده است. وی به ویژگی‌های محیط همچون قانونی در طبیعت نگریت و اصول تغییر رفتار را بنا نهاد. با این حال به دلیل منشأ اجتماعی رفتار و اهمیت فرایندهای شناختی نمی‌توان عوامل مؤثر بر رفتار را محدود کرد. از این رو، پژوهش حاضر در کنار نظریه اسکینر، نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا را نیز که با طرح چگونگی یادگیری الگوهای پیچیده رفتاری، بدون دریافت پاداش مستقیم و تاثیر رسانه‌های گروهی، بویژه تلویزیون، بر ایجاد و شکل دادن به رفتار آدمی؛ باب جدیدی را گشود، در نظر داشته است.

نظریه شرطی سازی کنشگر

فرایند شرطی کردن رفتار کنشگر به این طریق صورت می‌گیرد که بروز رفتاری ارادی از سوی موجود زنده (ارگانیسم)، رویداد مطلوبی را به دنبال می‌آورد. این رویداد مطلوب می‌تواند به دو شکل باشد:

۱. ارایه چیزی که ارگانیسم خواستار آن است (مانند غذا یا پول)؛
 ۲. رها کردن ارگانیسم از چیزی که از آن بیزار است (مانند جریان الکتریسیته یا شوک برقی). در هر دو حالت، رفتار ارگانیسم در نتیجه پیامدهای بعدی نیرومند می‌شود، یعنی وقتی ارگانیسم به دلیل رفتاری، محرک مطلوبی دریافت کند یا محرک آزاردهنده‌ای را از دست دهد، احتمال بروز و نشان دادن مجدد آن رفتار در شرایط مشابه آتی افزایش می‌یابد (سیف، ۱۳۷۹). اسکینر هر دو حالت شرطی شدن فوق را تقویت نامید و به این ترتیب یکی از معروف‌ترین مفاهیم روان‌شناسی و معدود قوانین این علم از سوی وی معرفی شد (Skinner, 1953).
- با اینکه مفهوم تقویت بسیار ساده به نظر می‌رسد، پیامدهای گسترده و مهیجی دارد که هم خود شخص و هم مربیان و والدین می‌توانند از آن بهره بگیرند.

زمینه‌های استفاده از نظریه شرطی سازی کنشگر

این نظریه بیشتر مجموعه‌ای از اصول و فنون است که در زمینه‌های مختلف برای اداره مربوط به انسان‌ها کاربرد یافته است. از جمله می‌توان به کاربرد این اصول در مراکز درمانی، سازمان‌های اجتماعی، محیط‌های آموزشی و فضای خانواده اشاره کرد. اسکینر (۱۹۶۹) می‌گوید: هنگامی که مشخص شد متغیرهای شناسایی شده قابل دستکاری هستند می‌توان به سمت تعبیر و تغییر کنترل رفتار حرکت کرد. بنابراین هر چه را علاقه‌مند باشیم می‌توانیم تولید کنیم. برای تغییر دادن رفتار براساس اصول شرطی سازی کنشگر، تنها کار لازم این است که مورد تقویت‌کننده‌ای را برای ارگانیسمی که می‌خواهیم رفتارش را تغییر دهیم، بیابیم و منتظر بمانیم رفتار مطلوب از او سر بزند، آن‌گاه بلافاصله او را تقویت کنیم. وقتی پاسخ برای بار دوم اتفاق افتاد، باز هم باید او را تقویت کرد و در این صورت، نرخ پاسخدهی بیشتر افزایش خواهد یافت

روش‌ها و فنون برخاسته از نظریه شرطی‌سازی کنشگر

سیف (۱۳۷۷)، این روش‌ها را به چهار گروه زیر دسته‌بندی کرده است:

۱. روش‌های افزایش رفتارهای مطلوب موجود

۲. روش‌های ایجاد رفتارهای مطلوب

۳. روش‌های نگهداری رفتارهای مطلوب

۴. روش‌های کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب

در گروه اول (افزایش رفتارهای مطلوب موجود) روش‌ها و فنونی جای می‌گیرند که هدفشان افزایش خزانه رفتار کودک است یعنی کودک از عهده انجام فعالیتی برمی‌آید اما آن را به دفعات انجام نمی‌دهد. برای افزایش و نیرومندی رفتارهای مطلوب می‌توان از دو روش تقویت مثبت و منفی استفاده کرد. برای اثربخشی بیشتر روش تقویت مثبت باید تقویت‌کننده‌های مناسب را انتخاب کرد؛ یعنی تقویت‌کننده‌ای که با فردیت شخص متناسب باشد. رویدادهایی که رفتار فردی را تقویت می‌کنند، ممکن است برای دیگران تقویت‌کننده نباشند. از طرفی، رویدادهایی که در زمانی معین تقویت‌کننده هستند، ممکن است در زمانی دیگر نباشند.

هر چه فاصله زمانی میان رفتار مطلوب و تقویت، کمتر باشد اثربخشی تقویت بیشتر می‌شود. مقدار تقویت، عامل دیگری در اثربخشی تقویت است و تصمیم‌گیری درباره آن به عوامل مختلف بستگی دارد. هنگامی که از تقویت‌کننده‌های نخستین استفاده می‌شود، میزان محرومیت فرد عامل مهمی به شمار می‌رود در حالی که در مورد تقویت‌کننده‌های شرطی و اجتماعی چنین نیست. فرمول ساده‌ای برای تعیین مقدار تقویت در دست نیست اما در صورت یکسان بودن عوامل دیگر انجام کارهای دشوار در مقایسه با کارهای آسان به تقویت بیشتری نیاز دارد.

همچنین تازگی و تنوع تقویت‌کننده‌ها عاملی است که تاثیر آنها را بیشتر خواهد کرد. روش‌های کاهش رفتار به دو دسته روش‌های مثبت کاهش رفتار (جایگزینی رفتار مطلوب با رفتار نامطلوب و روش‌های منفی کاهش رفتار (اعمال شیوه‌های کم و بیش آزارنده برای تغییر رفتار نامطلوب) تقسیم شده‌اند. با اینکه تنها یکی از روش‌های دسته

۱. تأخیری در تنبیه کردن ایجاد نشود. اغلب تنبیه‌های انسانی با تأخیر طولانی همراهند برای مثال مادر برای تنبیه فرزندش به انتظار آمدن پدر می‌ماند.
۲. هرگاه تنبیه بلافاصله بعد از عمل و همراه با توضیح روشن اعمال شود می‌تواند ابزاری قوی برای حذف رفتار نامطلوب باشد.
۳. بهترین زمان برای متوقف ساختن یک رفتار پیش از وقوع آن است.
۴. شدت تنبیه باید متناسب با نوع رفتار نامطلوب باشد.
۵. رفتار سرزنش شده باید آشکار و به وضوح برای کودک مشخص شود و سرانجام جایگزینی برای رفتار نامطلوب ارایه شود.

مفاهیم مورد استفاده در پژوهش

تقویت: هر محرکی که احتمال رخ دادن پاسخ را افزایش دهد (Skinner, 1953).
تقویت مثبت و تقویت منفی: پس از ارایه رفتار از سوی ارگانیسم چنانچه پیامد رفتار، دریافت چیزی باشد که ارگانیسم خواستار آن است، تقویت مثبت صورت گرفته است و اگر پیامد رفتار خلاصی یا اجتناب از پدیده نامطلوبی برای ارگانیسم باشد تقویت منفی بوده است (سیف، ۱۳۷۹).
تقویت‌کننده مثبت تقویت‌کننده منفی^۱: محرکی که در تقویت مثبت به دنبال رفتار

1- Positive and negative reinforcer

تنبیه^۱: عاملی که موجب ضعیف شدن رفتار کنشگر یا کاهش احتمال آن می‌شود. اگر رفتار ارگانیزم با پیامد نامطلوبی همراه باشد احتمال تکرار آن کاهش می‌یابد.

تقویت کننده نخستین: محرکی که برای تقویت‌کننده بودن نیاز به یادگیری ندارد و دلیل خاصیت تقویتی آن، برطرف کردن نیازهای زیستی ارگانیزم است.

تقویت کننده‌های شرطی: این تقویت‌کننده‌ها در اصل خاصیت تقویت‌کنندگی نداشته‌اند اما بر اثر مجاورت با تقویت‌کننده‌های نخستین (مانند غذا و آب) یا تقویت‌کننده‌های شرطی نیرومند (مانند پول) خاصیت تقویتی پیدا کرده‌اند. جایزه، نمره، مقام، مدال، مدرک و نظایر آنها تقویت‌کننده شرطی هستند.

تقویت کننده‌های اجتماعی: این دسته از تقویت‌کننده‌ها محرک‌هایی هستند که از رفتار سایر مردم که در فضاها یا اجتماعی یکسان حضور دارند، ناشی می‌شوند. مانند توجه و اظهارات تاییدکننده.

تقویت کننده‌های فعالیتی: از آنجا که کودکان برخی فعالیت‌ها را بیشتر از فعالیت‌های دیگر دوست دارند، می‌توان از آنها به عنوان تقویت‌کننده فعالیتی استفاده کرد (Lieberman, 1993).

خاموشی: ملایم‌ترین روش منفی کاهش رفتار نامطلوب است. در این روش هر بار که رفتار نامطلوبی از فرد سر زد، تقویتی دریافت نمی‌کند تا رفتار نامطلوب به تدریج خاموش شود.

جبران: برای از بین بردن رفتار نامطلوب وقتی فرد مرتکب رفتار خلافی شود او را وامی‌دارند عمل اشتباه خود را اصلاح یا خسارت وارد شده را جبران کند.

جریمه کردن: در این روش برای کاستن رفتارهای نامطلوب، محرک‌هایی که برای فرد خوشایند محسوب می‌شود، حذف می‌شوند تا فرد برای از دست ندادن محرک خوشایند، رفتارهای نامطلوب خود را کاهش دهد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا برای توصیف عینی، منظم و مقدراری محتوای آشکار ارتباطات به کار برده می‌شود (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۷۵). با استفاده از تکنیک مقوله‌ای، شیوه‌های تشویق و تنبیه مورد استفاده والدین برای کودکان و نوجوانان، در سریال‌های خانوادگی، بررسی شده‌اند. متغیرهای مربوط به رفتار، از دیدگاه رفتارگراها و بخصوص نظریه شرطی‌سازی فعال استخراج شده است.

جامعه آماری

این مطالعه تمامی سریال‌های خانوادگی داخلی و خارجی را که در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۳ از شبکه‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۵ پخش شده‌اند شامل می‌شود (سریال‌هایی که در آنها خانواده‌ای همراه با فرزندی واقع در سن نوجوانی وجود داشته است). از میان ۱۱۴ سریال پخش شده در این زمان تنها ۷ سریال وجود داشت و چون شبکه‌های ۲ و ۵ سریال خانوادگی ایرانی و شبکه ۳، سریال خانوادگی خارجی در این ایام پخش نکرده بودند، در پژوهش حاضر از نمونه‌های در دسترس استفاده شد که متشکل از ۱۲۵ قسمت است.

جدول شماره ۱- نام سریال‌های خانوادگی مورد بررسی

نام سریال	ایرانی	خارجی
مهر و ماه	×	
خانه به دوش	×	
تب سرد	×	
دردسر والدین	×	
بچه محل		×
سواران کوچک		×
پزشک دهکده		×

جدول شماره ۲- توزیع سریال‌های مورد بررسی در شبکه‌ها به تفکیک تولید (درصد)

نام شبکه	نوع تولید	ایرانی	خارجی	کل	
				فراوانی	درصد
یک		۲۶/۴	۱۵/۸	۲۹	۲۳/۲
دو		-	۵۵/۳	۲۱	۱۶/۸
سه		۷۳/۶	-	۶۴	۵۱/۲
پنج		-	۲۸/۹	۱۱	۸/۸
جمع	فراوانی	۸۷	۳۸	۱۲۵	
	درصد	۶۹/۶	۳۰/۴		۱۰۰

واحد تحلیل

واحد زمینه، صحنه و واحدهای ثبت و شمارش، رفتار (کلامی و غیرکلامی) بوده است.

روش تحلیل داده‌ها

پس از کدگذاری و تنظیم جداول توزیع فراوانی هر متغیر، در بخش توصیفی از درصدگیری و در بخش استنباطی برای یافتن ارتباط متقابل متغیرها، از آزمون آماری χ^2 و ضریب نبود قطعیت (uc) استفاده شده است. در صورت معنی‌داری آزمون χ^2 از χ^2 کرامر یا λ برای اندازه‌گیری شدت رابطه استفاده شده است.

هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش شناخت میزان و انواع روش‌های تقویتی (تشویقی) و تنبیهی به نمایش درآمده در سریال‌های خانوادگی (داخلی یا خارجی) بوده است.

پرسش‌های پژوهش

برخی از پرسش‌های اصلی پژوهش به قرار زیر است:

۱. رفتارهای مطلوب و نامطلوب کودکان و نوجوانان در سریال‌های خانوادگی به چه میزان نمایش داده شده و میزان پاسخگویی بزرگسالان به این رفتارها چقدر بوده است؟
۲. در سریال‌های خانوادگی از کدام روش‌های تغییر رفتار در برخورد با کودکان و نوجوانان استفاده شده است؟
۳. میزان نمایش روش‌های تقویتی (افزایش و ایجاد رفتار) و تنبیهی (کاهش رفتار) در سریال‌ها چقدر بوده است؟
۴. آیا بین نوع و مقدار تقویت به کار رفته و رفتار نشان داده شده تناسب وجود داشته است؟
۵. آیا بین نوع و مقدار تنبیه به کار رفته و رفتار نشان داده شده تناسب وجود داشته است؟

متغیرهای تحقیق

۱. رفتار مطلوب: رفتاری است که مورد تایید اطرافیان قرار می‌گیرد. مجموعه‌ای از رفتارهای مطلوب مانند امانتداری، راستگویی، رعایت بهداشت شخصی، فعال بودن، با ادب بودن و... در این متغیر جای گرفته است.
۲. رفتار نامطلوب: رفتاری است که اطرافیان تایید نمی‌کنند و باعث آزار و ناراحتی دیگران می‌شود. نظیر پرحرفی، بی‌مسئولیتی، تحقیر دیگران، بی‌احترامی و پرخاشگری.
۳. بازخورد نسبت به رفتار: بازخورد هرگونه واکنش مثبت یا منفی است که به صورت کلامی یا غیرکلامی از سوی بزرگسال به رفتار کودک ابراز شده است.
۴. انواع بازخورد: براساس هدف واکنش‌ها در چهار دسته طبقه‌بندی شده‌اند: الف) واکنشی که موجب رفتار جدیدی در کودک یا نوجوان می‌شود. ب) واکنشی که به حفظ رفتاری می‌انجامد که کمتر در کودک یا نوجوان دیده می‌شود.

- ج) واکنشی که موجب تکرار بیشتر رفتار کودک یا نوجوان می‌شود.
- د) واکنشی که موجب کاهش یا حذف رفتار کودک یا نوجوان می‌شود.
۵. تقویت: هر عاملی که مستقیم یا غیرمستقیم بعد از سر زدن رفتار مطلوب از سوی کودک به خوشحالی او منجر می‌شود.
۶. **ارایه توضیح در مورد دلیل تقویت یا تنبیه:** منظور آن است که آیا مجری تقویت یا تنبیه، بعد یا قبل از این عمل دلیل کار خود را توضیح می‌دهد یا خیر.
۷. **تنبیه:** هرگونه واکنش کلامی یا غیرکلامی که به دنبال رفتار نامطلوب می‌آید و برای کودک یا نوجوان آزاردهنده است.
۸. **نوع تنبیه:** در صورتی که برای کاهش رفتار نامطلوب از روش خاص تنبیه استفاده شده باشد، تنبیه روانی و تنبیه جسمانی (همراه با آزار جسمی) به عنوان دو متغیر جدا در نظر گرفته شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

■ مجموع رفتارهای مطلوب و نامطلوب کودکان و نوجوانان که در سریال‌های خانوادگی نشان داده شده، ۶۲۱ رفتار بوده است. در سریال‌های ایرانی، ۵۳/۱ درصد از رفتار کودکان و نوجوانان، مطلوب و ۴۶/۹ درصد، نامطلوب بوده است. در سریال‌های خانوادگی خارجی، رفتارهای مطلوب نشان داده شده ۷۱/۲ درصد و رفتارهای نامطلوب ۲۸/۸ درصد بوده است.

■ ۸۱/۵ درصد از رفتارهای کودکان و نوجوانان در سریال‌های ایرانی و خارجی بازخورد دریافت کرده‌اند. رفتارهای مطلوب در سریال‌های خارجی (۷۲/۸ درصد) به طور معناداری بیشتر از سریال‌های ایرانی (۵۴/۲ درصد) بازخورد داشته‌اند و در مقابل رفتارهای نامطلوب در سریال‌های ایرانی (۴۵/۸ درصد) بیش از سریال‌های خارجی (۲۷/۲ درصد) بازخورد دریافت کرده‌اند.

■ در بررسی میزان استفاده از چهار روش تغییر رفتار در سریال‌های مورد بررسی مشخص شد که از روش «نگهداری رفتارهای مطلوب» اصلاً استفاده نشده است. مقایسه بین سه روش دیگر نیز نشان داد که در سریال‌های ایرانی، بالاترین میزان استفاده مربوط به روش کاهش رفتار نامطلوب (روش تنبیهی) بوده و پس از آن به ترتیب،

جدول شماره ۳- انواع روش‌های تغییر رفتار به تفکیک نوع تولید (درصد)

کل		خارجی	ایرانی	محل ساخت سریال	
درصد	فراوانی			روش‌های تغییر رفتار	
۴۶/۷	۲۳۷	۶۴/۹	۳۹	افزایش رفتار مطلوب	
۶/۳	۳۲	۶/۶	۶/۲	ایجاد رفتار مطلوب	
۴۶/۹	۲۳۸	۲۸/۵	۵۴/۸	کاهش رفتار نامطلوب	
	۵۰۷	۱۵۱	۳۵۶	فراوانی	جمع
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

■ در سریال‌های ایرانی استفاده از روش تقویت مثبت (۹۸/۸ درصد) و روش تقویت منفی (۱/۲ درصد) بوده است. در سریال‌های خارجی نیز روش تقویت مثبت (۹۶/۳ درصد) و روش تقویت منفی (۳/۷ درصد) به کار برده شده است.

- در مورد تقویت‌کننده‌های نخستین و شرطی نیز سریال‌های ایرانی و خارجی (۹۸/۱ درصد) به نمایش استفاده از تقویت‌کننده شرطی پرداخته‌اند.

- تقویت‌کننده‌های اجتماعی در سریال‌های ایرانی ۶۹/۶ درصد و در سریال‌های خارجی ۳۵/۲ درصد به نمایش درآمده است.

■ نتایج بررسی میزان استفاده از انواع روش‌های تنبیهی در سریال‌های ایرانی نشان داد در میان روش‌های کاهش رفتار نامطلوب، روش تنبیه با ۸۴/۱ درصد بالاترین میزان استفاده را داشته و روش‌های خاموشی با ۱۰/۳ درصد، جبران با ۲/۱ درصد، جریمه کردن

■ در سریال‌های ایرانی شیوه تنبیه کلامی (۶۴/۶ درصد) بیشتر از تنبیه غیرکلامی (۲۲ درصد) استفاده شده است که در سریال‌های خارجی اصلاً تنبیه غیرکلامی وجود نداشته است.

■ بین استفاده از روش‌های تقویتی - تنبیهی و جنسیت تقویت - تنبیه شنوندگان (کودکان و نوجوانان) رابطه‌ای وجود نداشت.

■ بین جنسیت تقویت و تنبیه‌کننده‌ها با میزان استفاده از روش‌های تقویتی و تنبیهی رابطه‌ای وجود نداشت.

■ نتایج نشان داد بین سن تقویت‌شوندگان و میزان استفاده از روش‌های تقویتی و نوع روش‌های تقویتی به نمایش درآمده رابطه معناداری وجود نداشته است.

■ در سریال‌های خارجی نوجوانان (۴۸/۲ درصد) و در سریال‌های ایرانی، کودکان و خردسالان (حدود ۳۸ درصد) بیشترین تقویت را دریافت کرده‌اند.

■ در سریال‌های ایرانی گروه سنی نوجوانان (۵۳/۸ درصد) و در سریال‌های خارجی گروه سنی کودک (۴۴/۲ درصد) بیشترین دریافت‌کننده روش تنبیهی بوده‌اند.

■ میان نوع تقویت و رفتار مطلوب در ۸۷/۸ درصد از سریال‌های ایرانی تناسب وجود داشته است اما نبود تناسب در سریال‌های ایرانی (۱۲/۲ درصد) به طور معناداری بیش از سریال‌های خارجی (۴/۱ درصد) بوده است. همچنین بین میزان تقویت و رفتار مطلوب هماهنگی وجود داشت.

■ تنها در ۱۷/۲ درصد سریال‌های ایرانی پس از ارایه تقویت، درباره دلیل آن توضیح داده شده است.

- بررسی عوامل مؤثر در اثربخشی تنبیه، نشان داد در سریال‌های ایرانی، در ۶۶/۵ درصد از تنبیه‌های اعمال شده، بین نوع تنبیه و رفتار نامطلوب تناسب وجود نداشته است. همچنین بین مقدار تنبیه و رفتار نامطلوب تناسب وجود ندارد. در سریال‌های خارجی و ایرانی میزان ارایه توضیح درباره دلیل تنبیه رفتار نامطلوب کم بوده است

نتیجه

بررسی نتایج پژوهش نشان داد در سریال‌های ایرانی، رفتارهای مطلوب تقریباً به اندازه رفتارهای نامطلوب به نمایش درآمده‌اند. درست است که رفتارهای نامطلوب بیشتر نبوده اما چون همه این رفتارها بازخورد دریافت نکرده‌اند، نمی‌توانند تأثیر مناسبی بر یادگیری بینندگان داشته باشند. طبق نظر بندورا، مشاهده رفتار برای یادگیری کفایت می‌کند ولی مشاهده رفتاری که بازخورد داشته باشد (تنبیه یا پاداش) الگوپذیری بیشتری در پی دارد. در واقع نه تنها باید در ارایه نوع الگو دقت کرد بلکه باید به نحوه ارایه و پیامد رفتار نیز توجه داشت.

روش تقویت مثبت در سریال‌های ایرانی و خارجی (بالای ۹۰ درصد) بسیار بیشتر از روش تقویت منفی مورد استفاده قرار گرفته است. طبق نظر لیمرن (۱۹۹۳) یکی از دشوارترین مسایل مربوط به نظریه تقویت، یادگیری از طریق تقویت منفی است. بنابراین استفاده نکردن از این روش چندان هم دور از انتظار نبوده است. در میان تقویت‌کننده‌های نخستین و شرطی، هم در سریال‌های خارجی و هم در سریال‌های ایرانی، تقویت‌کننده‌های شرطی (۹۸ درصد) بسیار بیشتر به نمایش درآمده‌اند. از آنجا که تقویت‌کننده‌های نخستین مربوط به نیازهای زیستی هستند و کمتر خاصیت تقویت‌کنندگی دارند، استفاده از سایر تقویت‌کننده‌ها با اثرگذاری بیشتری همراه است. در مورد تقویت‌کننده اجتماعی نتایج جالبی به دست آمده که نشان می‌دهد هم در سریال‌های ایرانی و هم در سریال‌های خارجی، از این تقویت‌کننده زیاد استفاده شده اما در سریال‌های ایرانی این نسبت دو برابر سریال‌های خارجی است. از آنجا که این دسته از تقویت‌کننده‌ها از رفتار سایر مردم که در فضاهای اجتماعی یکسان حضور دارند، ناشی می‌شوند و مبتنی بر عرف هستند، جایگاه خاص روابط اجتماعی و تایید اجتماعی را در سریال‌های ایرانی نشان می‌دهند. این نکته با در نظر گرفتن اینکه از سایر انواع تقویت‌کننده‌ها در برنامه‌ها استفاده نشده، برجسته‌تر می‌شود. در واقع سازندگان سریال‌ها از انواع تقویت‌کننده‌ها که تأثیرات تربیتی مناسبی دارند (نظیر تقویت‌کننده فعالیت) بهره نگرفته‌اند.

در سریال‌های ایرانی میزان استفاده از تنبیه غیرکلامی بسیار کمتر از کلامی بوده اما با توجه به اثرات سوء آن بهتر است اصلاً نمایش داده نشود. نکته قابل توجه در سریال‌های خارجی این است که در آنها تنبیه غیرکلامی وجود نداشت؛ در سریال‌های ایرانی هر دو نوع تنبیه روانی و جسمانی به تصویر کشیده شده بود اما سریال‌های خارجی هیچ‌گونه تنبیه جسمانی را نشان نداده‌اند. در واقع بهره‌گیری از اصول علمی در تولیدات داخلی کمرنگ‌تر بوده است.

در میان روش‌های تغییر رفتار، روش کاهش رفتار نامطلوب بیشترین میزان کاربرد را داشته است.

نکته جالب اینجاست که در میان روش‌های منفی کاهش رفتار درجاتی وجود دارد که روش تنبیه جزء شدیدترین آنهاست و همین روش با اختلاف فاحشی نسبت به سایر روش‌ها، بالاترین میزان نمایش را در سریال‌های خانوادگی داشته است (ایرانی ۸۴/۱ درصد، خارجی ۵۱/۲ درصد). با اینکه در مورد آسیب‌های روش تنبیهی هشدار داده شده، گویی استفاده از تنبیه، شیوه سهل‌تری برای بیان مقصود است و سازندگان یا به روش‌های دشوار تمایلی ندارند یا با سایر روش‌ها آشنا نیستند.

محتوای پیام‌های وسایل ارتباط جمعی می‌تواند نگرش‌ها و رفتارها را تغییر دهد و اثراتی را موجب شود. برنامه‌ریزان گاه به دلیل توجه بسیار به پیام‌ها، پیامدها را فراموش می‌کنند (ویندال و دیگران، ۱۳۷۶). هنگامی که در برنامه‌های تلویزیونی بر یک روش تربیتی تاکید می‌شود، احتمال اینکه بینندگان وجود سایر روش‌های تربیتی را فراموش و یا در مورد کارایی آنها تردید کنند افزایش می‌یابد.

روش‌های تقویتی در سریال‌های خانوادگی خارجی و روش‌های تنبیهی در سریال‌های ایرانی بیشتر نمایش داده شده‌اند. بنابراین رعایت اصول تربیتی در سریال‌های خارجی بارزتر بوده است و خانواده‌ها رفتارهای مطلوب‌تری با فرزندان خود داشته‌اند. در سریال‌های ایرانی، استفاده از روش‌های تشویقی در گروه سنی خردسال و کودک بیشتر از نوجوان بوده است. روابط والدین و فرزندان در دوران نوجوانی وارد مرحله دشواری می‌شود اما این نباید مانع از رساندن پیام مطلوب به نوجوان شود؛ همچنان که میزان بالای استفاده از روش‌های تقویتی برای نوجوانان در سریال‌های خارجی، گواه ارتباط مناسب‌تر بین بزرگسالان و این گروه سنی است.

در بررسی شیوه‌های مناسب تنبیه و تقویت برای اثربخشی بیشتر این روش‌ها مشخص شد که اولاً عوامل اثربخش در سریال‌ها ضعیف‌ارایه شده‌اند. ثانیاً بین نوع و مقدار تقویت با رفتار مورد نظر هماهنگی وجود دارد، این هماهنگی در سریال‌های ایرانی کامل نیست اما در سریال‌های خارجی دیده می‌شود. عامل ارایه توضیح پس از تقویت نیز در سریال‌های ایرانی میزان پایینی داشته که نشان دهنده پایین بودن اثربخشی تقویت است در حالی که در سریال‌های خارجی این عامل بیشتر رعایت شده است. یافته‌های پژوهش‌ها بر استفاده از عوامل اثربخش تقویت و تنبیه تأکید کرده‌اند (Henley, 1997) درحالی که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد سازندگان برنامه‌ها یا اهمیت چندانی برای استفاده از این عوامل قایل نیستند یا با آنها آشنایی ندارند تنها در مورد عامل اثربخشی ارایه توضیح پس از تنبیه، در سریال‌های ایرانی (در ۸۰ درصد موارد) این نکته مثبت رعایت شده است.

با توجه به کمبود سریال‌های خانوادگی، اهتمام به ساخت این نوع برنامه ضرورت می‌یابد و با توجه به فقدان دقت علمی در ساخت برنامه‌ها پیشنهاد می‌شود در طراحی تولید سریال‌های خانوادگی از متخصصان روان‌شناسی تربیتی کمک گرفته شود. تهیه سرمشق‌های اجتماعی عاملی ضروری در انتقال و تغییر رفتار است و اگر در موقعیت‌های حساس تربیتی اصول علمی نادیده گرفته شود امکان دارد خطاها به نتایج

منابع فارسی:

۱. اعزازی، شهلا (۱۳۷۳) خانواده و تلویزیون، گناباد: مرندیز.
۲. بندورا، آلبرت (۱۳۷۲) نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: راهگشا. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۷۸).
۳. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۷) تغییر رفتار و رفتار درمانی، تهران: روان.
۴. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹) روان‌شناسی پرورشی، تهران: آگاه.
۵. شولتز، دوان و شولتز، سیدنی (۱۳۷۷) نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: هما.
۶. ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۷۲) رشد شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: مرکز.
۷. ویندال، سون و همکاران (۱۳۷۶) کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما.
۸. هرگنمان، بی‌ار (۱۳۷۹) نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران: دوران.
۹. دلاور، علی (۱۳۸۰) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.

منابع انگلیسی:

1. Henley, Martin (1997) **Why punishment doesn't work**. Journal of principal, n. 2.
2. Larzelere, I. (2002) **Corporal punishment of children People**. Biola. Edu/faculty/paulp.
3. Leahey, T. h. (2002) **Learning and cognition**. Prentice – Hall International.
4. Lieberman, David (1993) **Learning, words worth**. New York.
5. Skinner, B. F. (1969) **Contingencies of reinforcement: A Theoretical analysis**. New York, Appleton – century – crofts.
6. Skinner, B. F. (1953) **Science & human behavior**. New York: Macmillan.

اثرات تلویزیون بر کودکان

ملیحه سپاسگرشهری*

تاریخ دریافت: ۸۶/۲/۱۱ تاریخ اصلاح: ۸۶/۸/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۱/۳۰

چکیده

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که در سال ۱۳۸۵ در مرکز تحقیقات صداوسیما انجام شده و اثرات منفی تلویزیون را بر کودکان ۷ تا ۱۲ ساله (از نظر والدین آنها) در دو گروه «اثرات آموزشی منفی و مستقیم تلویزیون» و «اثرات رفتاری منفی و غیرمستقیم تلویزیون» مورد بررسی قرار داده است.

در گروه اثرات آموزشی منفی و مستقیم تلویزیون، آثار این رسانه بر کودکان در زمینه‌هایی مانند خوردن مواد کم ارزش، استفاده از تکیه کلام‌ها و اصطلاحات نامناسب، تقلید رفتارهای پرخاشگرانه، ایجاد انتظارات بیجا، بدآموزی نمایش مصرف مواد مخدر، تقلید رفتارهای بی‌ادبانه و انجام رفتارهای خطرناک مورد توجه بوده است.

در گروه اثرات رفتاری منفی و غیرمستقیم تلویزیون نیز، اثرات تلویزیون بر دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن، کم شدن مطالعه، کم شدن تحرک و فعالیت بدنی، بی‌دقتی در انجام تکالیف مدرسه، دیر انجام دادن تکالیف مدرسه، کم حرف زدن با خانواده، ارتباط کم با همسالان، ترسیدن از گزارش‌های مربوط به جنگ و مشکلات جسمی مورد نظر بوده است.

واژه‌های کلیدی: کودک، تلویزیون، اثرات آموزشی تلویزیون، اثرات رفتاری تلویزیون.

* کارشناس ارشد تحقیق در ارتباطات، پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما.

مقدمه

امروزه استفاده از رسانه‌های جدید بویژه تلویزیون امری عادی شده است و برای بسیاری، روشن بودن تلویزیون، به صورت عاداتی روزمره درآمده است چنان که دستگاه تلویزیون جزء وسایل خانگی شده و در هر خانه‌ای علاوه بر سایر رسانه‌ها، حداقل یک دستگاه تلویزیون نیز وجود دارد. براساس پژوهشی که در مرکز تحقیقات انجام شده است «۹۹ درصد کودکان تلویزیون در منزل، ۴۵ درصد رایانه، ۸۲ درصد ویدئو، ۱۷ درصد ماهواره، ۶۹ درصد اینترنت و ۱۷ درصد تلویزیون در اتاق شخصی خود دارند» (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۲). از این رو کودکان در دنیایی متولد می‌شوند که در آن تلویزیون شیئی در میان اشیای دیگر خانه نیست بلکه وسیله‌ای است که آنان را مجذوب و شیفته خود می‌کند. گزارش والدین درباره تماشای تلویزیون از سوی کودکان نشان داده است تماشای منظم تلویزیون در کودکان با میانگین سنی ۲/۸ سالگی مشاهده می‌شود. تحقیقات دیگری نیز که بعد از شرام منتشر شده است نشان می‌دهد از ۲ سالگی، توجه روبه رشدی نسبت به تماشای تلویزیون دیده می‌شود» (فنی، ۱۳۸۰: ۲).

در مجموع از شواهد برمی‌آید که اکثر کودکان مدت زمان قابل توجهی از وقت بیداری خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند چنان که تماشای تلویزیون برای این قشر فعالیتی قابل توجه به شمار می‌رود. می‌توان گفت «کودکان ۳ تا ۹ ساله به طور متوسط ۴ ساعت و ۲۶ دقیقه در روز به تماشای تلویزیون مشغول هستند» (خضریان، ۱۳۸۵: ۲) و «کودکان ۷ تا ۱۲ ساله حدود ۵ ساعت و ۱۲ دقیقه در روز تلویزیون تماشا می‌کنند» (خضریان، ۱۳۸۵: ۲۳).

بررسی مدت زمان تماشای تلویزیون در کشورهای جهان نیز بیانگر آن است که خردسالان و کودکان بخش عمده‌ای از وقت خود را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند، برای مثال پژوهشی که بر روی ۵۲۷ والد دارای فرزند ۲ تا ۱۷ ساله انجام شد نشان داد «کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۷ ساله، ۲۵ ساعت در هفته تلویزیون تماشا می‌کنند از سوی دیگر، ۲۰ درصد از خردسالان ۲ تا ۷ ساله، ۴۶ درصد از کودکان ۸ تا ۱۲ ساله و ۵۶ درصد از نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ ساله در اتاقشان تلویزیون اختصاصی دارند (Gentil &

کودک و تلویزیون

بدون شک جذابیت شگرف تلویزیون برای کودکان، تأثیراتی بر این گروه به جا می‌گذارد تأثیراتی که دامنه‌ای از جنبه‌های مثبت و منفی را شامل می‌شود. برخی صاحب‌نظران، جنبه‌های مثبت را مواردی مانند آشنایی با قوانین و هنجارهای اجتماعی، افزایش اطلاعات، آموزش و پر کردن اوقات فراغت کودکان دانسته‌اند و بسیاری دیگر، تنها گسترش یادگیری خشونت را در اثر نمایش رفتارهای خشونت‌آمیز که با فراوانی بسیار در تلویزیون دیده می‌شود کافی می‌دانند تا نسبت به این رسانه احساس نگرانی کنند.

در واقع کودکان هم رفتارهای جامعه‌پسند از تلویزیون می‌آموزند و هم رفتارهای ضداجتماعی و به این ترتیب به شبکه پیچیده‌ای از روابط انسانی دسترسی پیدا می‌کنند، امکانی که به راحتی و با سرعت الگوهای متنوعی را درباره زنان، مردان، اقلیت‌ها، سالمندان و بسیاری از گروه‌های انسانی پیش روی آنان قرار می‌دهد (یاسایی، ۱۳۶۸:۵۱۵).

یکی از آثار مورد بررسی تلویزیون، تأثیر بر عملکرد تحصیلی کودکان است، به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران معتقدند «مشاهده برنامه‌های تلویزیون، عملکرد تحصیلی آنان را ارتقا می‌دهد زیرا برنامه‌های تلویزیون دارای محتوای آموزشی بسیار غنی است» (singer & singer, 1986:42) و گروهی دیگر بر این عقیده‌اند که مشاهده تلویزیون عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد زیرا تماشای تلویزیون جایگزین فعالیت‌های ذهنی دیگر می‌شود و «انفعال کودکان در هنگام تماشای تلویزیون»، «تنبلی ذهنی» و «تشویق به رفتارهای خشن» از جمله دلایل صاحب‌نظران برای تأثیر منفی این رسانه بر عملکرد تحصیلی کودکان است (Anderson & Collins, 1988:16).

همچنین تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که تلویزیون می‌تواند در تکامل رفتارهای مثبت اجتماعی مانند حس همکاری، مراقبت و همدلی موثر باشد. در این زمینه می‌توان به نتایج تحقیقی که بر روی کودکان کلاس چهارم، هفتم و دهم انجام شده است اشاره کرد. در این پژوهش، کودکان یکی از برنامه‌های زیر را تماشا کردند:

۱. برنامه‌ای که در آن شخصیت‌های بزرگسال در برخورد با دیگران بسیار سنجیده عمل می‌کردند.
۲. برنامه‌ای که در آن فرد بزرگسالی در برخورد با دیگران پرخاشگرانه عمل می‌کرد.
۳. برنامه‌ای که در آن نه خبری از رفتار ضداجتماعی بود و نه خبری از رفتار معین اجتماعی.

پس از تماشای برنامه، به کودکان فرصت کمک یا آزار و اذیت همسالی خیالی که در جای دیگر مشغول انجام تکالیفش بود داده شد. دانش‌آموزان می‌توانستند برای کمک به همسال خود، دکمه قطع سروصدای مزاحم و برای اذیت او، دکمه زیادتر کردن صدای مزاحم را فشار دهند، کودکانی که رفتار سنجیده بزرگسالان را در برنامه تلویزیونی مشاهده کرده بودند بیش از دو گروه دیگر دکمه کمک را فشردند (ملکی، ۱۳۷۸:۱۶۱).

تحقیقات دیگری نیز به تاثیر تماشای تلویزیون بر رفتار پرخاشگرانه پرداخته‌اند. در تحقیقی که در سال ۲۰۰۵ انجام شد، پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که کودکان امریکایی تا ۱۸ سالگی، شاهد ۲۰۰۰۰۰ صحنه خشونت‌آمیز در تلویزیون هستند و خشونت‌های تلویزیونی به دلیل اینکه اغلب وسیله‌ای موثر برای رسیدن به خواسته‌های کودکان معرفی می‌شوند در اکثر مواقع مورد تقلید کودکان قرار می‌گیرند (Gavin, 2005:1). همچنین نتایج بیش از ۲۰ سال تحقیقات آزمایشگاهی، میدانی و تجزیه و تحلیل رفتارهایی که به صورت طبیعی بروز می‌کنند نشان می‌دهد صحنه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون، بر رفتارها و باورهای کودکان تأثیرات منفی قطعی دارد (بیابانگرد ۱۳۷۷:۱۳۸). البته لازم است یادآوری شود که تاثیر تلویزیون بر کودکان به نوع برنامه‌ها، چگونگی تماشا، مدت زمان مشاهده، هوش کودک و محرک‌های محیطی بستگی دارد. از این رو تأثیرات تلویزیون بر کودکان، به ندرت صورت ساده و مستقیم دارند بلکه اغلب در سطوح متعدد بروز می‌کنند. برنامه‌های تلویزیون می‌تواند بر

با توجه به اینکه والدین تاثیرگذارترین افراد در زندگی کودکان هستند و از جمله عوامل تعیین‌کننده در رابطه بین کودک و تلویزیون و تاثیرپذیری کودک از فرآورده‌های این رسانه به شمار می‌روند، در پژوهش‌هایی که در زمینه تاثیر محتوای تلویزیون بر کودکان صورت گرفته، حجم قابل توجهی به بررسی دیدگاه‌ها و نظر والدین در خصوص تاثیرات مثبت و منفی برنامه‌ها بر فرزندانشان اختصاص یافته است. در کشور ما نیز هرازگاهی در رسانه‌ها و مطبوعات، بحث‌هایی از سوی کارشناسان و والدین درباره تاثیر منفی تلویزیون بر کودکان طرح می‌شود اما تاکنون پژوهش در خور توجهی برای بررسی نظر والدین درباره تاثیرات تلویزیون بر کودکان انجام نشده است.

از این رو مرکز تحقیقات صداوسیما پژوهشی را درباره «سنجش اثرات منفی تلویزیون بر کودکان» به اجرا درآورد که طی آن دیدگاه‌های والدین دارای فرزند ۷ تا ۱۲ ساله درباره اثرات منفی تلویزیون بر کودکان مورد بررسی قرار گرفت.

روش تحقیق

این پژوهش با روش پیمایشی انجام شد و جامعه آماری آن والدین دارای فرزند ۲ تا ۱۷ ساله ساکن شهر تهران بودند. حجم نمونه مورد بررسی ۸۲۶ نفر از جامعه آماری یاد شده است. افراد نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری سه مرحله‌ای (انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه حضوری از سوی پرسشگران آموزش دیده مرکز تحقیقات بوده است. در این بررسی، اطلاعات از طریق پرسشنامه گردآوری شدند و برای سازماندهی و خلاصه‌سازی داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل جدول و نمودار و برای بررسی روابط بین متغیرها از آزمون χ^2 (خی‌دو) در سطح معنی‌داری ۵ درصد و در صورت معنادار شدن آنها از معیارهای d سامرز و γ کرامر برای اندازه‌گیری شدت و جهت رابطه استفاده شد. همچنین برای بررسی رابطه بین میانگین‌ها در گروه‌های سنی، جنسی و تحصیلی از آزمون‌های t و f استفاده شد. باید یادآور شد در این بررسی علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای جنس، سن و تحصیلات متغیر «وضعیت

۱. برخورداری از امکانات (شامل تلویزیون، رایانه، ویدئو، ماهواره، اینترنت، اتاق شخصی، تلویزیون در اتاق شخصی).
 ۲. میزان مخارج و درآمد خانواده.
 ۳. تحصیلات والدین.
- برای ساختن متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، امتیازاتی که پاسخگویان از هر یک از متغیرهای فوق گرفتند، با هم ادغام شدند و برای هر فرد، یک نمره کل به دست آمد و برای سهولت در تحلیل روابط بین متغیرهای پژوهش و پایگاه اقتصادی - اجتماعی این متغیر به سه طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم شد.
- لازم است یادآوری شود که در این پژوهش اثرات تلویزیون به دو گروه آثار «آموزشی منفی و مستقیم تلویزیون» و «آثار رفتاری منفی و غیرمستقیم تلویزیون» تقسیم شده است. این دو گروه به صورت زیر تعریف و ساخته شده‌اند:
- الف) آثار آموزشی منفی و مستقیم تلویزیون:** این آثار با پیامدهای منفی تلویزیون در زمینه آموزش نکات منفی به مخاطبان ارتباط دارند و به طور مستقیم ناشی از برنامه‌های تلویزیون هستند. در ساختن این شاخص، نظر والدین درباره تاثیر تلویزیون در زمینه‌های زیر با این گویه‌ها در نظر گرفته شد:
- تماشای بعضی از برنامه‌های تلویزیون که دارای صحنه‌های پرخاشگری و خشونت هستند سبب شده فرزندم رفتارهای پرخاشگرانه آنها را تقلید کند.
 - فرزندم تکیه کلام‌ها و اصطلاحات نامناسبی را به کار می‌برد که آنها را از برخی برنامه‌های تلویزیون یاد گرفته است.
 - تماشای آگهی‌های تبلیغاتی مربوط به مواد خوراکی تلویزیون باعث شده است فرزندم به خریدن مواد خوراکی بی‌ارزش علاقه‌مند شود.
 - تماشای تلویزیون باعث افزایش انتظارات بیجا در فرزندم شده است.
 - تماشای برخی از برنامه‌های تلویزیون باعث ایجاد رفتارهای بی‌ادبانه و گستاخانه در فرزندم شده است.
 - تماشای برخی از برنامه‌های تلویزیون باعث شده فرزندم برخی از رفتارهای

- تماشای برخی از صحنه‌های مربوط به جرایم و دزدی‌ها برای فرزندم بدآموزی دارد.
- نمایش مصرف مواد مخدر در برخی از برنامه‌های تلویزیون برای فرزندم بدآموزی دارد.
- **ب) آثار رفتاری منفی و غیرمستقیم تلویزیون:** این آثار شامل پیامدهایی هستند که بر اثر تماشای زیاد تلویزیون ایجاد می‌شوند، این پیامدها به طور مستقیم ناشی از برنامه‌های تلویزیون نیستند اما به طور کلی استفاده مفرط از این رسانه موجب ایجاد آنها می‌شود، از این رو به عنوان آثار غیرمستقیم استفاده از تلویزیون تلقی می‌شوند و از آنجا که بر شناخت مخاطبان تاثیر نمی‌گذارند، از آنها به عنوان آثار رفتاری یاد شده است، در ساخت این شاخص نظر والدین درباره تاثیر تلویزیون در زمینه‌های زیر در نظر گرفته شده است:
 - تماشای تلویزیون باعث کم شدن تحرک فرزندم (بازی، ورزش و...) شده است.
 - تماشای تلویزیون سبب شده است فرزندم با همسالانش کمتر ارتباط داشته باشد.
 - تماشای تلویزیون سبب شده است فرزندم کمتر مطالعه کند.
 - تماشای برخی از سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیون باعث ترس فرزندم شده است.
 - تماشای تلویزیون باعث می‌شود فرزندم شب‌ها دیر بخوابد و صبح‌ها دیر از خواب بیدار شود.
 - فرزندم تکالیف درسی‌اش را همزمان با تماشای تلویزیون انجام می‌دهد و این امر موجب بی‌دقتی در انجام آنها می‌شود.
 - تماشای تلویزیون باعث ایجاد مشکلات جسمانی (ضعیف شدن چشم و چاقی و...) در فرزندم شده است.
 - شب‌ها فرزندم جلوی تلویزیون به خواب می‌رود.
 - فرزندم بیشتر اوقات تلویزیون تماشا می‌کند، به همین دلیل ما با هم کم صحبت می‌کنیم.
 - تماشای بعضی از گزارش‌های خبری مربوط به جنگ و کشتار در تلویزیون سبب ترس فرزندم شده است.

- تماشای تلویزیون سبب شده است فرزندم تکالیف درسی اش را دیر انجام دهد. به منظور دستیابی به اطلاعات روشن تر نمرات به دست آمده از پرسش های مربوط به هر شاخص با هم ادغام شدند و دو نمره کل به دست آمد. برای سهولت در تحلیل روابط، این دو شاخص به سه طبقه زیاد، متوسط و کم تقسیم شدند. لازم به یادآوری است اطلاعات این پژوهش در تاریخ ۸۵/۵/۱۱ گردآوری شده اند.

یافته های پژوهش

■ والدین اظهار کرده اند به طور متوسط فرزندانشان در شبانه روز ۵ ساعت و ۱۲ دقیقه تلویزیون تماشا می کنند، دختران (۵:۲۷ ساعت) بیشتر از پسران (۵ ساعت) تلویزیون تماشا می کنند^۱. همچنین با افزایش سن، بر میزان تماشای تلویزیون افزوده می شود چنان که ۷ ساله ها (۴:۲۰) کمتر و ۱۲ ساله ها (۵:۲۸) بیشتر از سایر سنین تلویزیون تماشا می کنند^۲. از سوی دیگر، هر چه معدل درسی کودکان بالاتر می رود، میزان تماشای تلویزیون کمتر می شود؛ به این ترتیب کودکانی که معدل ۱۸ و کمتر دارند (۵:۴۵) بیش از سایرین در شبانه روز تلویزیون تماشا می کنند^۳.

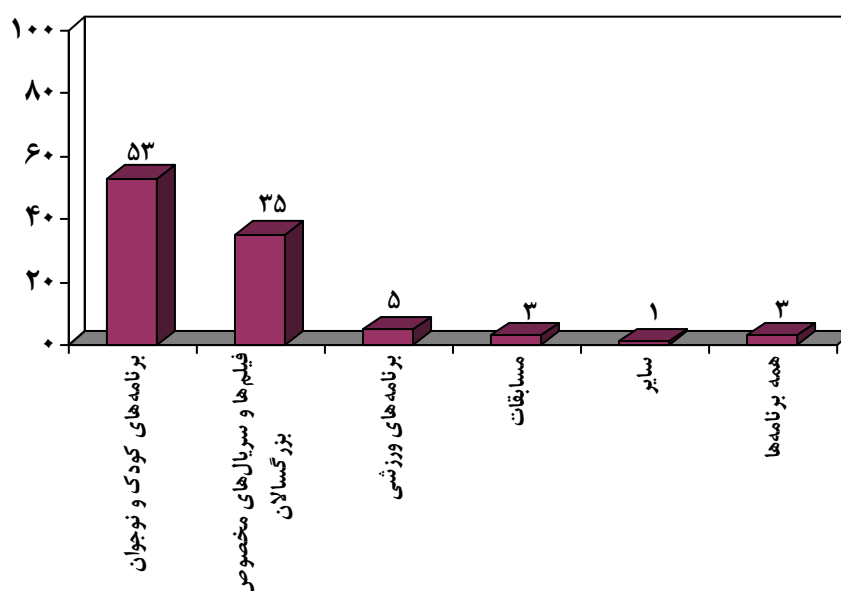
جدول شماره ۱- نظر والدین درباره مدت زمانی که فرزندشان در شبانه روز تلویزیون تماشا می کند برحسب جنس، سن و معدل درسی (ساعت و دقیقه)

کل	معدل درسی			سن						جنس		متغیر
	۲۰	۱۹	۱۸ و	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	دختر	پسر	
۵:۱۲	۴:۵۹	۵:۱۴	۵:۴۵	۵:۲۸	۵:۲۲	۵:۴۷	۴:۵۰	۴:۴۵	۴:۲۰	۵:۲۷	۵	میانگین

$$\begin{array}{lll}
 ۱.t = -۲/۱۶ & df = ۸۲۴ & sig = ۰/۰۳ \\
 ۲.t = -۲/۱۶ & df = ۸۲۴ & sig = ۰/۰۳ \\
 ۳.f = ۳/۶۷ & df = (۲/۸۰۶) & sig = ۰/۰۰۳
 \end{array}$$

■ ۵۳ درصد والدین اظهار کرده‌اند که فرزندانشان بیشتر برنامه‌های کودک و نوجوان تلویزیون را تماشا می‌کنند. فیلم‌ها و سریال‌های مخصوص بزرگسالان (۳۵درصد)، برنامه‌های ورزشی (۵ درصد) و مسابقات (۳درصد) از این لحاظ در مراتب بعدی قرار دارند. فرزندان ۳درصد از والدین نیز همه برنامه‌های تلویزیون را تماشا می‌کنند و ۱درصد به برنامه‌های دیگری اشاره کرده‌اند.

نمودار شماره ۱- نظر والدین درباره انواع برنامه‌هایی که کودکان بیشتر تماشا می‌کنند (درصد)



■ تماشای برنامه‌های بزرگسالان از سوی کودکان و نوجوانان اثرات منفی و مثبت مختلفی به دنبال دارد، یکی از آثار تماشای برنامه‌های بزرگسالان بویژه در ساعات پایانی شب، بروز مشکلاتی در زمان خواب کودکان و کم‌خوابی آنان است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ۴۷درصد از والدین در حد «خیلی زیاد و زیاد» معتقدند که تلویزیون سبب «دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن» کودکان می‌شود. از سوی دیگر، نیمی از والدین تماشای تلویزیون را باعث کم شدن تحرک و فعالیت بدنی روزانه کودکانشان نمی‌دانند یا نقش آن را در این زمینه «خیلی کم و کم» ذکر می‌کنند. در مجموع می‌توان

جدول شماره ۲- نظر والدین درباره تاثیر تماشای تلویزیون در «دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن» و «کم شدن تحرک و فعالیت بدنی» کودکان (درصد)

تاثیر تماشای تلویزیون	اصلاً	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن	۲۴	۵	۸	۱۶	۳۴	۱۳	۱۰۰
کم شدن تحرک و فعالیت بدنی (بازی، ورزش و... کودکان)	۳۶	۶	۸	۱۷	۲۴	۹	۱۰۰

■ از نظر ۳۹ درصد والدین، تماشای تلویزیون در حد «خیلی زیاد و زیاد» بر عادت مطالعه فرزندانشان تاثیر دارد و باعث کم شدن مطالعه آنان می شود. ۱۹ درصد والدین این تاثیر را «تا حدی» دانسته اند و از نظر ۴۲ درصد تاثیر این عامل در حد «خیلی کم و کم» بوده یا «اصلاً» تاثیری نداشته است. آزمون آماری، رابطه معنی دار را بین میزان موافقت والدین با تاثیر تماشای تلویزیون در «کم شدن عادت مطالعه فرزندشان» و متغیر درسی تایید می کند^۱؛ به این ترتیب که والدینی که معدل فرزندشان ۱۸ و کمتر بوده (۵۰ درصد) بیشتر از سایرین معتقدند تماشای تلویزیون در حد «خیلی زیاد و زیاد» بر عادت مطالعه فرزندانشان تاثیر دارد و باعث کم شدن مطالعه آنان می شود.

۱. $\chi^2 = ۱۴/۸۷$ $df = ۶$ $sig = ۰/۰۲$ $d = -۰/۰۷$

جدول شماره ۳- میزان موافقت والدین با تاثیر تماشای تلویزیون در «کم شدن عادت مطالعه فرزندشان» به تفکیک معدل درسی (درصد)

کل	۲۰	۱۹	۱۸ و کمتر	معدل درسی	
				میزان	
۳۹	۳۸	۳۴	۵۰	زیاد و خیلی زیاد	
۱۹	۱۸	۲۰	۱۹	تا حدی	
۱۵	۱۴	۱۶	۱۵	کم و خیلی کم	
۲۷	۳۰	۳۰	۱۶	اصلاً	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	جمع
۸۰۵	۴۰۶	۲۶۷	۱۳۲	فراوانی	

■ ۵۸ درصد از والدین معتقدند که تماشای برنامه‌های تلویزیون تاثیری بر مسائل مربوط به انجام تکالیف درسی از جمله دیر انجام دادن تکالیف مدرسه فرزندانشان ندارد یا تاثیر آن در حد «خیلی کم و کم» است و تنها ۲۴ درصد از والدین اظهار کرده‌اند که تلویزیون در حد «خیلی زیاد و زیاد» سبب می‌شود فرزندانشان تکالیف مدرسه را دیر انجام دهند. همچنین آزمون آماری به کار رفته، وجود رابطه معنی‌دار را بین میزان موافقت والدین با «تاثیر تماشای تلویزیون بر دیر انجام دادن تکالیف مدرسه فرزندشان» و متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین^۱ تایید می‌کند؛ به این ترتیب والدینی که پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایینی داشته‌اند (۲۵/۵ درصد) بیشتر و والدینی پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا داشته‌اند (۲۱ درصد) کمتر از سایرین در حد «خیلی زیاد و زیاد» معتقد بوده‌اند تماشای تلویزیون سبب شده است فرزندشان تکالیف مدرسه را دیر انجام دهد.

$$1. \chi^2 = 13/66 \quad df = 6 \quad sig = 0/03 \quad d = -0/06 \quad sig = 0/09 \quad v = 0/09$$

جدول شماره ۸- میزان موافقت والدین با «تاثیر تماشای تلویزیون بر دیر انجام دادن تکالیف مدرسه از سوی فرزندشان» به تفکیک پایگاه اقتصادی - اجتماعی (درصد)

میزان	پایگاه اقتصادی - اجتماعی			
	پایین	متوسط	بالا	کل
زیاد و خیلی زیاد	۲۵/۵	۲۴	۲۱	۲۴
تا حدی	۱۶	۲۱	۱۲	۱۸
کم و خیلی کم	۱۸	۱۹	۱۷	۱۹
اصلاً	۴۰/۵	۳۶	۵۰	۳۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	فراوانی	۱۵۳	۵۰۵	۱۶۴

■ ۲۷/۵ درصد از والدین در حد «خیلی زیاد و زیاد» بر این باورند که فرزندانشان تکالیف مدرسه را همزمان با تماشای تلویزیون انجام می دهند و پیامد آن را بی دقتی در انجام مسئولیت های تحصیلی و تکالیف درسی دانسته اند و در مقابل ۵۷ درصد از والدین بر این عقیده اند که تماشای تلویزیون باعث بی دقتی در انجام تکالیف مدرسه فرزندانشان نشده یا تاثیری در حد «خیلی کم و کم» داشته است. همچنین نتایج آزمون های آماری به کار رفته نشان می دهد والدینی که فرزندشان پسر است (۳۰ درصد) بیشتر از والدینی که فرزندشان دختر است^۱ (۲۳ درصد) و والدینی که معدل درسی فرزندشان ۱۸ و کمتر است (۳۹ درصد) بیشتر از سایرین اظهار کرده اند که تماشای تلویزیون همزمان با انجام تکالیف درسی سبب بی دقتی در انجام تکالیف مدرسه می شود.^۲

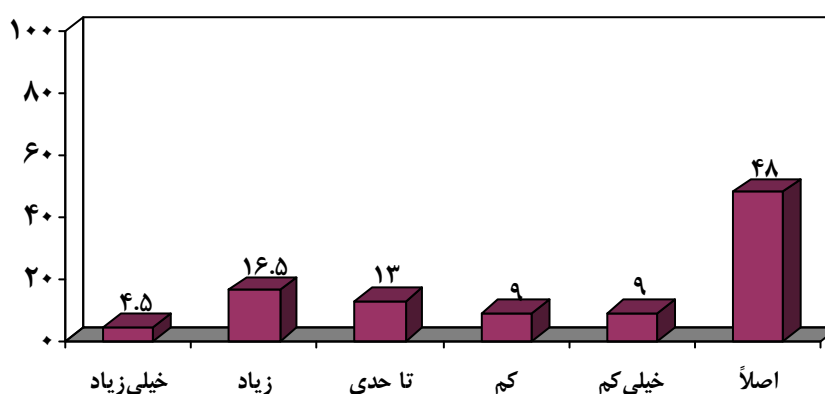
۱. $\chi^2 = 9/25$ $df = 3$ $sig = 0/03$ $v = 0/11$
 ۲. $\chi^2 = 12/92$ $df = 6$ $sig = 0/04$ $d = -0/08$

جدول شماره ۵ - میزان موافقت والدین با تاثیر «انجام تکالیف درسی همزمان با تماشای تلویزیون بر بی دقتی در انجام تکالیف» به تفکیک جنس و معدل درسی فرزندان (درصد)

کل	معدل درسی			جنس		متغیر میزان
	۲۰	۱۹	۱۸ و کمتر	دختر	پسر	
۲۷/۵	۲۴	۲۶	۳۹	۲۳	۳۰	زیاد و خیلی زیاد
۱۵/۵	۱۶	۱۵	۱۴	۱۷	۱۵	تا حدی
۱۷	۱۷	۲۰	۱۲	۱۵	۱۹	کم و خیلی کم
۴۰	۴۳	۳۹	۳۵	۴۵	۳۶	اصلاً

■ ۲۱ درصد والدین تاثیر تماشای تلویزیون را در کاهش ارتباط فرزندان با همسالان در حد «خیلی زیاد و زیاد» و ۱۳ درصد «تا حدی» دانسته‌اند. ۶۶ درصد از والدین میزان تاثیر را در حد «خیلی کم و کم» می‌دانند یا «اصلاً» به چنین تاثیری اعتقاد ندارند.

نمودار شماره ۲ - میزان موافقت والدین با تاثیر تماشای تلویزیون بر «کاهش ارتباط فرزندان با همسالان» (درصد)



■ ۶۱ درصد از والدین اظهار کرده‌اند که تماشای تلویزیون سبب کاهش ارتباط فرزندان با سایر اعضای خانواده شده یا اثری در حد «خیلی کم و کم» داشته است. در مقابل کمتر از یک چهارم از والدین (۲۲ درصد) عقیده داشته‌اند تماشای تلویزیون از سوی فرزندان در حد «خیلی زیاد و زیاد» به کاهش ارتباط خانوادگی آنان منجر شده است. نتایج آزمون آماری به کار رفته، رابطه معنی‌داری را بین میزان موافقت والدین با تاثیر تماشای تلویزیون بر کاهش ارتباط فرزندان با سایر اعضای خانواده و متغیر پایگاه اقتصادی^۱ نشان می‌دهد به این ترتیب که والدین با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین (۲۷ درصد) بیشتر و والدین با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا (۱۷ درصد) کمتر از سایرین در حد «خیلی زیاد و زیاد» اظهار کرده‌اند که تماشای تلویزیون بر «کاهش ارتباط فرزندان با سایر اعضای خانواده» تاثیر دارد.

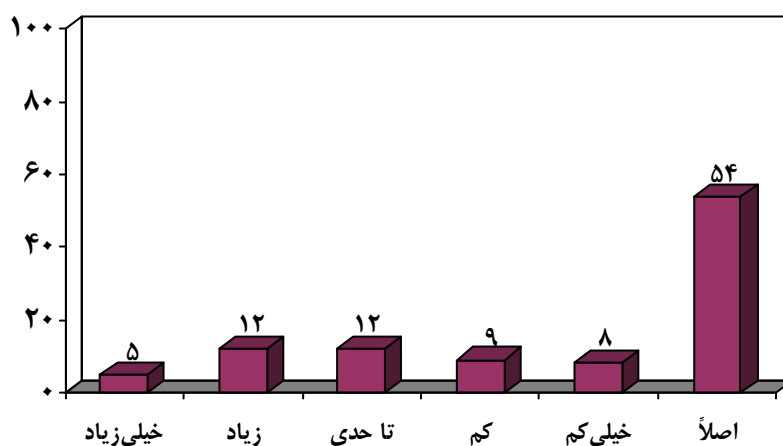
جدول شماره ۶ - میزان موافقت والدین با تاثیر تماشای تلویزیون بر «کاهش ارتباط فرزندان با سایر اعضای خانواده» به تفکیک پایگاه اقتصادی - اجتماعی (درصد)

میزان	پایگاه اقتصادی - اجتماعی			
	پایین	متوسط	بالا	کل
زیاد و خیلی زیاد	۲۷	۲۲	۱۷	۲۲
تا حدی	۱۶	۱۵	۲۳	۱۷
کم و خیلی کم	۱۹	۲۲	۱۲	۱۹
اصلاً	۳۸	۴۱	۴۸	۴۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۱. $\chi^2 = ۱۴/۶۳$ $df = ۶$ $sig = ۰/۰۲$ $(d = -۰/۰۶$ $sig = ۰/۱۰)$ $v = ۰/۰۹$

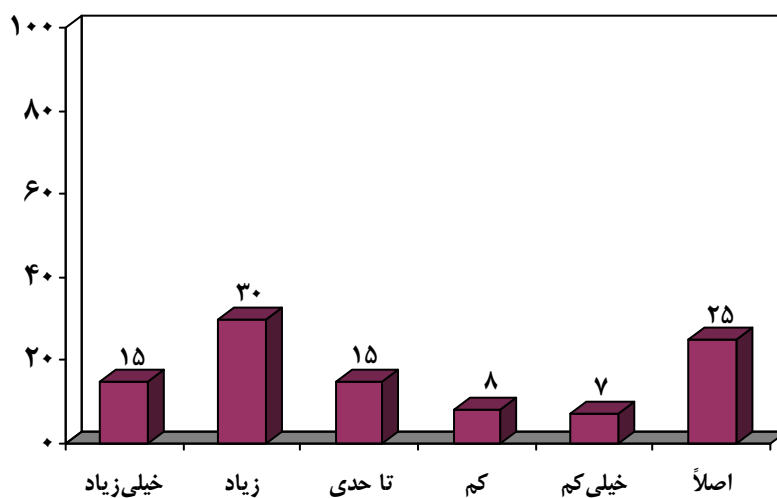
■ بنابر نظر اکثر والدین، تماشای تلویزیون مشکلی در سلامت بدنی کودکان (مانند چاقی، ضعف بینایی و...) ایجاد نمی‌کند زیرا ۷۱ درصد از والدین اظهار کرده‌اند تماشای تلویزیون باعث ایجاد مشکلات جسمانی در فرزندشان نشده، یا نقش تلویزیون در این زمینه در حد «خیلی کم و کم» بوده است. (نمودار شماره ۳)

نمودار شماره ۳- میزان موافقت والدین با تاثیر تماشای تلویزیون بر «ایجاد مشکلات جسمانی (ضعیف شدن چشم، چاقی و...) در فرزندان» (درصد)



■ بنابر نظر والدین، از دیگر اثرات تماشای تلویزیون بر کودکان «تماشای آگهی‌های تبلیغاتی و علاقه به خرید مواد خوراکی کم ارزش» است. به این ترتیب که ۴۵ درصد از والدین اظهار کرده‌اند تماشای آگهی‌های تبلیغاتی تلویزیون باعث شده است فرزندانشان در حد «خیلی زیاد و زیاد» به خرید مواد خوراکی که ارزش غذایی مناسبی برای آنان ندارد، علاقه‌مند شوند. میزان اعتقاد ۴۰ درصد از والدین به تاثیر تلویزیون در این زمینه، در حد «خیلی کم و کم» بوده یا «اصلاً» چنین اعتقادی نداشته‌اند.

نمودار شماره ۴ - میزان موافقت والدین با «تاثیر تماشای آگهی‌های تلویزیونی مواد خوراکی بر ایجاد علاقه به خرید مواد خوراکی کم‌ارزش در فرزندان» (درصد)



■ تماشای تلویزیون از نظر ۴۳ درصد والدین در حد «خیلی زیاد و زیاد» و از نظر ۲۱ درصد «تا حدی» باعث تکرار تکیه کلامها و اصطلاحات نامناسب در فرزندشان شده است. (۳۶ درصد والدین در حد «خیلی کم و کم» چنین اعتقادی دارند یا «اصلاً» این عامل را در تکرار تکیه کلامها از سوی فرزندشان تاثیرگذار نمی‌دانند. آزمون آماری به کار رفته، رابطه معنی‌داری را بین میزان موافقت والدین با «به کارگیری و تکرار تکیه کلامها و اصطلاحات نامناسب برخی از برنامه‌های تلویزیون از سوی فرزندشان و متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی^۱ والدین نشان می‌دهد؛ به این ترتیب که والدین با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین (۳۳ درصد) کمتر و والدین با پایگاه اقتصادی، اجتماعی بالا (۴۹ درصد) بیشتر از سایرین اظهار کرده‌اند فرزندشان در اثر تماشای برخی از برنامه‌های تلویزیون تکیه کلامها و اصطلاحات نامناسبی را در حد «خیلی زیاد و زیاد» به کار می‌برد.

۱. $\chi^2 = 33/91$ $df = 18$ $sig = 0/01$ $d = 0/11$

جدول شماره ۷- میزان موافقت والدین با «به کارگیری و تکرار تکیه کلامها و اصطلاحات نامناسب برخی از برنامه‌های تلویزیون از سوی فرزندشان» به تفکیک پایگاه اقتصادی - اجتماعی (درصد)

میزان	پایگاه اقتصادی - اجتماعی			
	پایین	متوسط	بالا	کل
زیاد و خیلی زیاد	۳۳	۴۴	۴۹	۴۳
تا حدی	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱
کم و خیلی کم	۱۴	۱۸	۱۳	۱۶
اصلاً	۳۱	۱۷	۱۷	۲۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

■ ۷۰ درصد از والدین تاثیر تماشای تلویزیون را بر ایجاد رفتارهای بی ادبانه و گستاخانه در فرزندشان در حد «خیلی کم و کم» دانسته‌اند یا اصلاً به چنین تاثیری اعتقاد نداشته‌اند. ۱۵ درصد «تا حدی» و ۱۵ درصد «خیلی زیاد و زیاد» معتقدند تماشای برخی از برنامه‌های تلویزیون باعث ایجاد رفتارهای بی ادبانه و گستاخانه در فرزندشان شده است.

آزمون آماری نشان می‌دهد بین میزان موافقت والدین با تأثیر «تماشای تلویزیون در ایجاد رفتارهای بی ادبانه و گستاخانه در فرزندشان» و متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین^۱ رابطه معنی داری وجود داشته است؛ به این ترتیب که والدین با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین (۱۸ درصد) بیشتر و والدین با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا (۱۰ درصد) کمتر از سایرین اظهار کرده‌اند تماشای تلویزیون در ایجاد رفتارهای بی ادبانه و گستاخانه در فرزندشان در حد «خیلی زیاد و زیاد» تاثیر دارد.

۱. $\chi^2 = 14/92$ $df = 6$ $sig = 0/02$ $d = -0/02$ $sig = 0/63$

جدول شماره ۸ - میزان موافقت والدین با تاثیر «تماشای تلویزیون بر ایجاد رفتارهای بی‌ادبانه و گستاخانه در فرزندشان» (درصد)

کل	بالا	متوسط	پایین	بایگاه اقتصادی - اجتماعی میزان
۱۵	۱۰	۱۶	۱۸	زیاد و خیلی زیاد
۱۵	۱۷	۱۵	۱۲	تا حدی
۲۴	۲۲	۲۷	۱۷	کم و خیلی کم
۴۶	۵۱	۴۲	۵۳	اصلاً
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

■ ۳۰ درصد از والدین در حد «خیلی زیاد و زیاد» و ۲۰ درصد «تا حدی» اظهار کرده‌اند که فرزندشان رفتار پرخاشگرانه را از بعضی برنامه‌های تلویزیون که صحنه‌های پرخاشگری و خشونت دارند تقلید می‌کند. میزان تقلید فرزندان از برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون از نظر ۵۰ درصد از والدین یا در حد «خیلی کم و کم» بوده یا «اصلاً» نبوده است. به لحاظ آماری، رابطه بین میزان موافقت والدین با «تقلید رفتار پرخاشگرانه فرزندشان از بعضی برنامه‌های تلویزیون که دارای صحنه‌های پرخاشگری و خشونت هستند» و متغیر جنس فرزند^۱ معنی‌دار است؛ به این معنا که والدینی که فرزند پسر دارند (۳۷ درصد) بیشتر از والدینی که فرزندشان دختر است (۲۲ درصد) معتقدند فرزندشان رفتار پرخاشگرانه را از بعضی برنامه‌های تلویزیون که دارای صحنه‌های پرخاشگری و خشونت هستند در حد «خیلی زیاد و زیاد» تقلید می‌کند.

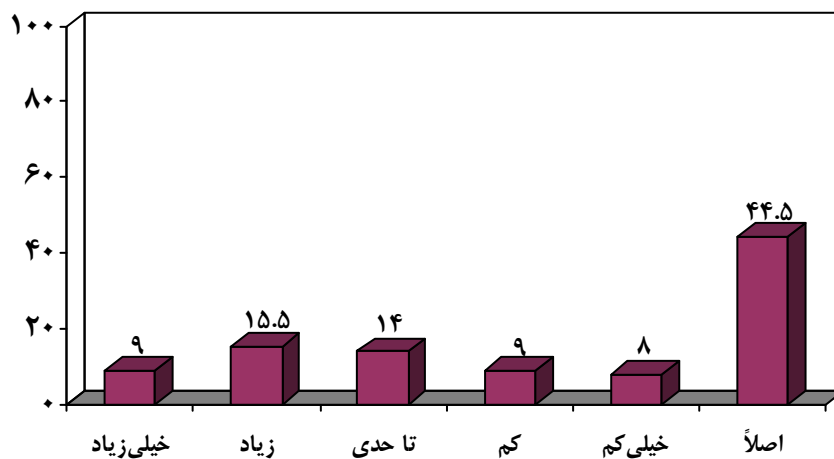
۱. $\chi^2 = 30/15$ $df = 3$ $sig = 0/000$ $v = 0/19$

جدول شماره ۹- میزان موافقت والدین با «تقلید فرزندشان از رفتار پرخاشگرانه و خشونت موجود در بعضی برنامه‌های تلویزیونی» به تفکیک جنس فرزند (درصد)

میزان	جنس فرزند		کل
	پسر	دختر	
زیاد و خیلی زیاد	۳۷	۲۲	۳۰
تا حدی	۲۱	۱۹	۲۰
کم و خیلی کم	۱۹	۲۱	۲۰
اصلاً	۲۳	۳۸	۳۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

■ ۶۱/۵ درصد والدین تاثیر بدآموزی نمایش مصرف مواد مخدر را در برنامه‌های تلویزیون در حد «کم و خیلی کم» دانسته‌اند یا اصلاً به این موضوع اعتقادی نداشته‌اند. ۱۴ درصد از آنان نیز میزان این تاثیرات را «تا حدی» دانسته‌اند. ۲۴/۵ درصد این تاثیرات را در حد «خیلی زیاد و زیاد» می‌دانند.

نمودار شماره ۵- میزان موافقت والدین با «بدآموزی نمایش مصرف مواد مخدر در برخی از برنامه‌های تلویزیون برای فرزندشان» (درصد)



■ بیش از نیمی از والدین (۵۸ درصد) معتقد بوده‌اند نمایش برخی از صحنه‌های مربوط به جرایم و دزدی‌ها برای فرزندشان بدآموزی ندارد یا بدآموزی آن در حد «خیلی کم و کم» است. ۱۶ درصد نیز اظهار کرده‌اند این صحنه‌ها «تا حدی» بدآموزی دارد و ۲۶ درصد بدآموزی این صحنه‌ها را برای فرزندشان در حد «خیلی زیاد و زیاد» دانسته‌اند همچنین والدینی که فرزندشان معدل درسی ۱۹ داشته است (۲۳ درصد) کمتر از سایرین اظهار کرده‌اند برخی از صحنه‌های مربوط به جرایم و دزدی‌ها که از تلویزیون نمایش داده می‌شود برای فرزندشان در حد «خیلی زیاد و زیاد» بدآموزی دارد.^۱

جدول شماره ۱۰- میزان موافقت والدین با «بدآموزی برخی از صحنه‌های مربوط به جرایم و دزدی‌ها که از تلویزیون نمایش داده می‌شود برای فرزندشان» به تفکیک معدل درسی (درصد)

معدل درسی	۱۸ و کمتر	۱۹	۲۰	کل
زیاد و خیلی زیاد	۲۹	۲۳	۲۸	۲۶
تا حدی	۱۸	۱۱	۱۸/۵	۱۶
کم و خیلی کم	۱۲	۱۸	۱۳/۵	۱۵
اصلاً	۴۱	۴۸	۴۰	۴۳
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

■ بیش از نیمی از والدین (۵۴ درصد) معتقد بوده‌اند که نمایش گزارش‌های خبری مربوط به جنگ‌ها و کشتارها سبب ترس فرزندشان نمی‌شود یا ترسی در حد «کم و خیلی کم» در آنها ایجاد می‌کند. ۱۸ درصد والدین «تا حدی» و ۲۸ درصد در حد «زیاد و خیلی زیاد» اظهار کرده‌اند که این صحنه‌ها سبب ترس فرزندشان می‌شود. والدینی که فرزند دختر داشته‌اند (۳۱ درصد) بیشتر از والدینی که فرزندشان پسر بوده (۲۷ درصد) اظهار کرده‌اند که بعضی از گزارش‌های خبری تلویزیونی مربوط به جنگ‌ها و کشتارها در حد «خیلی زیاد و زیاد» در فرزندشان ایجاد ترس می‌کند.^۲

۱. $\chi^2 = ۱۳/۳۸$ $df = ۶$ $sig = ۰/۰۴$ ($d = -۰/۰۴$ $sig = ۰/۲۶$) $v = ۰/۰۹$
 ۲. $\chi^2 = ۱۲/۵۳$ $df = ۳$ $sig = ۰/۰۰۶$ $v = ۰/۱۲$

جدول شماره ۱۱- میزان موافقت والدین با تأثیر تماشای «بعضی از گزارش‌های خبری تلویزیونی مربوط به جنگ‌ها و کشتارها در ایجاد ترس در فرزندشان» به تفکیک جنس فرزند (درصد)

میزان	جنس		
	پسر	دختر	کل
زیاد و خیلی زیاد	۲۷	۳۱	۲۸
تا حدی	۱۵	۲۲	۱۸
کم و خیلی کم	۲۰	۱۹	۲۰
اصلاً	۳۸	۲۸	۳۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

■ ۴۷ درصد از والدین در حد «خیلی زیاد و زیاد» و ۱۶ درصد «تا حدی» معتقدند که تماشای تلویزیون سبب «دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن» فرزندشان می‌شود. ۳۷ درصد در حد «کم و خیلی کم» این عامل را در دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن فرزندشان موثر می‌دانند یا «اصلاً» قائل به این تأثیر نیستند.

نمودار شماره ۶- میزان موافقت والدین با تأثیر تماشای تلویزیون بر «دیر خوابیدن و دیر بیدار شدن فرزندشان» (درصد)



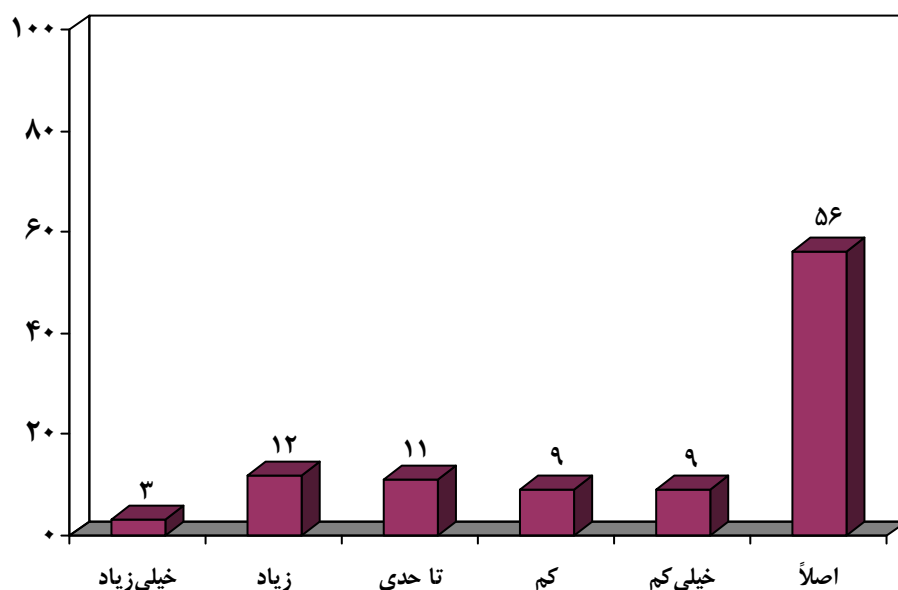
■ ۲۶/۵ درصد والدین در حد «خیلی زیاد و زیاد» و ۱۹ درصد «تا حدی» اظهار کرده‌اند که تماشای تلویزیون باعث افزایش انتظارات بیجا در فرزندشان شده است. ۵۴/۵ درصد والدین در حد «کم و خیلی کم» چنین اعتقادی دارند یا «اصلاً» قائل به این امر نیستند.

نمودار شماره ۷- میزان موافقت والدین با تأثیر «تماشای تلویزیون بر افزایش انتظارات بیجا در فرزندشان» (درصد)



■ ۷۴ درصد از والدین معتقد بوده‌اند تماشای برخی از رفتارهای خطرناک در برنامه‌های تلویزیون (مانند پریدن از بلندی و...) باعث تقلید این رفتارها از سوی فرزندشان نمی‌شود یا تأثیری در حد «خیلی کم و کم» دارد.

نمودار شماره ۸ - میزان موافقت والدین با تأثیر «تماشای برخی از برنامه‌های تلویزیون بر انجام رفتارهای خطرناک (پریدن از بلندی، پله و...) از سوی فرزندشان» (درصد)



۱۹/۵ درصد والدین در حد «خیلی زیاد و زیاد»، ۱۵ درصد تا حدی و ۱۹ درصد در حد «کم و خیلی کم» با این امر که فرزندشان «شب‌ها جلوی تلویزیون به خواب می‌رود» موافق بوده‌اند. ۴۶/۵ درصد «اصلاً» با این موضوع موافقت نداشته‌اند. والدینی که فرزندشان معدل ۱۸ و کمتر داشته (۲۳/۵ درصد) بیشتر و والدینی که معدل فرزندشان ۲۰ بوده است (۱۶ درصد) کمتر از سایرین در حد «خیلی زیاد و زیاد» با این مورد که «شب‌ها فرزندشان جلوی تلویزیون به خواب می‌رود» موافق بوده‌اند.^۱

۱. $\chi^2 = ۱۴/۷۲$ $df = ۶$ $sig = ۰/۰۲$ $d = -۰/۱۲$

جدول شماره ۱۲- میزان موافقت والدین با این گویه «شب‌ها فرزندم جلوی تلویزیون به خواب می‌رود» به تفکیک معدل درسی (درصد)

میزان	معدل درسی	۱۸ و کمتر	۱۹	۲۰	کل
زیاد و خیلی زیاد	۲۳/۵	۲۲	۱۶	۱۹/۵	
تا حدی	۲۰/۵	۱۵	۱۳	۱۵	
کم و خیلی کم	۱۷	۲۰	۱۸/۵	۱۹	
اصلاً	۳۹	۴۳	۵۲/۵	۴۶/۵	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

■ ۳۵ درصد والدین اظهار کرده‌اند که فرزندشان اخیراً از برنامه‌های خاصی ترسیده است و ۶۵ درصد این نظر را نداشته‌اند، والدینی که فرزند دختر داشته‌اند (۳۸ درصد) بیشتر از والدینی که فرزندشان پسر بوده^۱ (۳۲ درصد) و والدینی که فرزند ۸ ساله داشته‌اند (۴۵ درصد) بیشتر و والدینی که فرزندشان ۱۲ ساله بوده (۲۳ درصد) کمتر از سایرین اظهار کرده‌اند فرزندشان اخیراً از یکی از برنامه‌های تلویزیون ترسیده است.^۲ همچنین براساس نتایج این پژوهش کودکان بیشتر از فیلم سینمایی «شب بیست و نهم» و «اخبار مربوط به جنگ لبنان و اسرائیل» ترسیده‌اند.

۱. $\chi^2 = ۳/۸۵$ $df = ۱$ $sig = ۰/۰۵$ $v = ۰/۷$

۲. $\chi^2 = ۲۰/۸۸$ $df = ۵$ $sig = ۰/۰۰۱$ $d = -۰/۰۹$

جدول شماره ۱۳- نظر والدین درباره ترسناک بودن برنامه‌های تلویزیون برای کودکان به تفکیک جنس و سن فرزند (درصد)

کل	سن فرزند						جنس فرزند		متغیر پاسخ
	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	دختر	پسر	
۳۵	۲۳	۳۲/۵	۳۹	۳۴	۴۵	۳۸	۳۸	۳۲	بلی
۶۵	۷۷	۶۷/۵	۶۱	۶۶	۵۵	۶۲	۶۲	۶۸	خیر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

■ ۴۷ درصد از والدین اظهار کرده‌اند فرزندشان اخیراً از تکیه کلام‌های برنامه‌های تلویزیون تقلید کرده است و ۵۳ درصد این نظر را نداشته‌اند، والدینی که فرزند پسر داشته‌اند (۵۰ درصد) بیشتر از والدینی که فرزندشان دختر بوده است (۴۳ درصد) اظهار کرده‌اند که فرزندشان از تکیه کلام‌های نامناسب برنامه‌های تلویزیون تقلید می‌کند.^۱ همچنین مجموعه‌های طنز «شب‌های برره» (۶۵ درصد) و «زندگی به شرط خنده» (۱۶ درصد) برنامه‌هایی هستند که از نظر والدین فرزندشان از آنها تکیه کلام‌ها و اصطلاحات نامناسبی را تقلید کرده است.

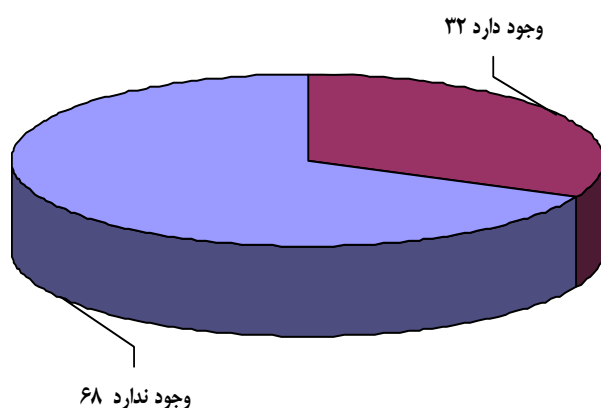
جدول شماره ۱۴- نظر والدین درباره تقلید فرزندشان از تکیه کلام‌های نامناسب برنامه‌های تلویزیون به تفکیک جنس فرزند (درصد)

کل	دختر	پسر	جنس فرزند	پاسخ
۵۳	۵۷	۵۰	خیر	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع	

۱. $\chi^2 = 4/47$ $df = 1$ $sig = 0/04$ $v = 0/07$

■ ۳۲ درصد والدین اظهار کرده‌اند که در خانواده‌شان مقررات و قوانین خاصی برای تماشای تلویزیون از سوی فرزندشان وجود دارد و ۶۸ درصد چنین نظری نداشته‌اند. عمده‌ترین قانون و مقرراتی که از سوی والدین برای تلویزیون تماشا کردن فرزندشان وضع شده است «محدود و مشخص کردن ساعات تماشای تلویزیون است» (۷۲ درصد). سایر قوانین عبارتند از: «محدودیت در نوع برنامه‌هایی است که کودکان اجازه دارند تماشا کنند» (۳۳ درصد)، «اولویت دادن به درس خواندن و انجام تکالیف» (۱۷ درصد).

نمودار شماره ۹- نظر والدین درباره میزان وجود قانون و مقررات در خانواده برای تلویزیون تماشا کردن فرزندان (درصد)



■ با افزایش سطح پایگاه اقتصادی^۱ - اجتماعی والدین^۲، قانون و مقرراتی که در خانواده برای تلویزیون تماشا کردن فرزندان وجود دارد، بیشتر می‌شود و والدینی که پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا داشته‌اند (۵۹ درصد) بیشتر از سایرین اظهار کرده‌اند که در خانواده‌شان قانون و مقررات خاصی برای تماشای تلویزیون از سوی فرزندشان وجود دارد. همچنین والدینی که فرزند پسر داشته‌اند (۳۵/۵ درصد) بیشتر از والدینی که

۱. $\chi^2 = ۱۰/۸۹$ $df = ۲$ $sig = ۰/۰۰۴$ $v = ۰/۰/۱۰$

۲. $\chi^2 = ۵/۱۰$ $df = -۱$ $sig = ۰/۰۲$ $v = ۰/۰/۰۸$

جدول شماره ۱۵- نظر والدین درباره میزان وجود قانون و مقررات در خانواده
برای تلویزیون تماشا کردن فرزندان به تفکیک پایگاه اقتصادی - اجتماعی و جنس
فرزند (درصد)

کل	پایگاه اقتصادی - اجتماعی			جنس فرزند		متغیر پاسخ
	بالا	متوسط	پایین	دختر	پسر	
۳۲	۵۹	۳۲	۲۳/۵	۲۸	۳۵/۵	بلی
۶۸	۴۱	۶۸	۷۶/۵	۷۲	۶۴/۵	خیر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

نتیجه

در مجموع با جمع‌بندی دیدگاه‌های والدین در مورد اثرات تلویزیون در دو گروه «آثار آموزشی منفی و مستقیم تلویزیون» و «آثار رفتاری منفی و غیرمستقیم تلویزیون» مشخص شد از نظر والدین، تلویزیون بیشتر دارای آثار آموزشی منفی و آسیب‌رسان مستقیم بر کودکان است، زیرا ۱۲/۵ درصد از والدین در حد «زیاد» با شاخص آثار آموزشی منفی و مستقیم موافق بوده‌اند. این میزان در مورد آثار رفتاری و غیرمستقیم تلویزیون ۹ درصد است. لازم است یادآوری شود که آزمون‌های آماری به کار رفته رابطه معنی‌داری را بین میزان آثار آموزشی منفی و مستقیم تلویزیون بر فرزندان و متغیرهای جنس^۱ سن^۲ و پایگاه اقتصادی - اجتماعی^۳ نشان می‌دهد؛ به این ترتیب والدینی که پسر دارند (۱۳/۵ درصد) بیشتر از والدینی که فرزندشان دختر بوده است

۱. $\chi^2 = ۸/۷۶$	df = ۲	sig = ۰/۰۱	v = ۰/۱۰
۲. $\chi^2 = ۲۲/۵۹$	df = ۱۰	sig = ۰/۰۱	d = -۰/۰۷
۳. $\chi^2 = ۲۲/۲۳$	df = ۴	sig = ۰/۰۰۰	v = ۰/۱۲

جدول شماره ۱۶- نظر والدین درباره میزان آثار آموزشی منفی و مستقیم تلویزیون بر فرزندان به تفکیک جنس، سن فرزند و پایگاه اجتماعی، اقتصادی والدین (درصد)

کل	پایگاه اجتماعی -			سن فرزند						جنس فرزند		متغیر
	بالا	متوسط	پایین	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	دختر	پسر	
۱۲/۵	۱۲	۱۱	۱۷	۸	۹	۱۰	۱۳	۱۸	۲۴	۱۱	۱۳/۵	زیاد
۴۹	۵۲/۵	۵۳	۳۲	۴۹	۵۵	۵۱	۴۱	۵۱	۴۱	۴۵	۵۲/۵	متوسط
۳۸/۵	۳۵/۵	۳۶	۵۱	۴۳	۳۶	۳۹	۴۶	۳۱	۳۵	۴۴	۳۴	کم
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

پیشنهاد

تلویزیون امروزه جزء جدایی ناپذیر زندگی خانواده‌ها و کودکان است. محیط رسانه‌ای پیرامون کودکان؛ نسبت به سال‌های گذشته شاهد تحولات سریع و بی‌سابقه‌ای بوده است. طیف تاثیرات بالقوه‌ای که رسانه‌ها بویژه تلویزیون می‌توانند بر کودکان بگذارند با گسترده شدن برنامه‌های این رسانه‌ها وسیع‌تر شده است.

به دنبال افزایش رقابت در بازار رسانه‌ای و تعدد شبکه‌های در دسترس، نظارت بر تولیدات رسانه‌ای دشوارتر شده است. پیشرفت فن‌آوری‌های ارتباطی نیاز به کنترل هر چه بیشتر برنامه‌های تولید شده بویژه برنامه‌های کودکان را ضروری ساخته است. تعامل کودکان و رسانه‌ها زمانی با اطمینان خاطر همراه است که کودکان به طور تصادفی از تلویزیون استفاده نکنند بلکه برنامه‌های خاصی را برای تماشا انتخاب کنند. همچنین هر آنچه را در برنامه‌ها می‌بینند به سادگی نپذیرند و درباره مطالب ارائه شده در برنامه‌ها سوال کنند و بتوانند میان درست و غلط و واقعی و ساختگی بودن آنها تفاوت قائل شوند. این فعالیت‌ها و قابلیت‌ها از طریق آموزش نحوه تماشای برنامه‌ها و تماشای نقادانه آنها افزایش می‌یابد.

اگر والدین نیز همراه با کودکان برنامه‌های دلخواه آنها را تماشا کنند، در شناخت و درک تلویزیون به کودکان کمک خواهند کرد. همزمان با گسترش دامنه سرگرمی‌های انتخابی کودکان در منزل، نقش و مسئولیت والدین نیز در قبال فرزندشان بیشتر می‌شود. با افزایش فعالیت والدین، کودکان نیز در تماشای برنامه‌ها، هوشیارتر خواهند شد، تا آنجا که می‌توانند ویژگی‌های مثبت برنامه‌ها را تشخیص دهند و از پیامدهای منفی آنها درامان باشند.

همچنین براساس نتایج این پژوهش، عمده‌ترین اثر منفی تلویزیون بر کودکان، کم کردن ساعات مطالعه آنان است، از این رو ضرورت دارد والدین با تنظیم برنامه روزانه و اولویت‌بندی فعالیت‌های کودکان، بر زمان تماشای تلویزیون و حتی رسانه‌های دیگر مانند رایانه و بازی‌های ویدیویی نظارت کنند. از سوی دیگر، در ایجاد عادت مطالعه همانند سایر عادت‌ها، یادگیری مشاهده‌ای نقش اساسی دارد و والدین می‌توانند از طریق مطالعه کردن، عادت انجام این فعالیت را در کودکان خود ایجاد کنند. سازندگان برنامه‌های کودک و نوجوان نیز می‌توانند با ساخت برنامه‌هایی با هدف تشویق به مطالعه، رویکرد و نظر کودکان را نسبت به کتاب و مطالعه ارتقا دهند.

منابع فارسی:

۱. آیزنبرگ، نانسی (۱۳۷۸) رفتارهای اجتماعی کودکان، ترجمه بهار ملکی، تهران: ققنوس.
۲. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸) اثرات تلویزیون بر رشد کودکان، پژوهش و سنجش، سال پنجم، (۱۵ و ۱۶).
۳. گوانتر، بری و مک آلر، جیل (۱۳۸۰) کودک و تلویزیون، ترجمه نصرت فنی، تهران: سروش.
۴. خضریان، عاطفه (۱۳۸۵) نظرسنجی از والدین دارای فرزند ۳ تا ۹ ساله درباره میزان تماشای تلویزیون توسط فرزندشان در فصل تابستان (پژوهش)، مرکز تحقیقات صداوسیما.
۵. خضریان، عاطفه (۱۳۸۵) نظرسنجی از والدین دارای فرزند ۷ تا ۱۲ ساله درباره تاثیرات تلویزیون بر فرزندشان (پژوهش)، مرکز تحقیقات صداوسیما.
۶. حسینی، مریم (۱۳۸۴) نظرسنجی از والدین دارای فرزند ۷ تا ۱۷ ساله درباره رسانه‌ها (پژوهش)، مرکز تحقیقات صداوسیما.
۷. هنری ماسن و دیگران (۱۳۶۸) رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: رشد.

منابع انگلیسی:

1. Anderson, D.R & Collins, P.A. (1988) **The impact on Childrens education: Television's influence On Cognitive development education.** washington DC: US. Department of Education.
2. Finger, J.L. & finger, D. G. (1986) **Family experiences and Television viewing as predictors of imagination, Restless and aggression.** Jornal of social Issues. 42.
3. Gentile, D.A. & walsh,D.A. (1999) **National survery of family habits, knowledge, and Attitude.**
4. Zimmerman, Frederick (2007) **How TV Affects your child Journal of social. Issues, 24.**